



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرأیا
علیها یصی

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



میرزا محمد مصطفیٰ
عبدالکبیر

در صحیفہ ای غدیر

محمد مصطفیٰ و کتب و روای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در صحنه غدیر

نویسنده:

محمد مهدی رکنی یزدی

ناشر چاپی:

معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	در صحنه غدیر
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۸	فهرست
۹	پیش گفتار
۱۲	غدیر چیست؟
۱۲	غدیر حُم کجاست؟
۱۳	عید غدیر
۱۶	در صحنه غدیر و حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم
۱۸	خطبه رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در غدیر حُم
۷۱	پیام غدیر
۷۸	درباره مرکز

سرشناسه: رکنی یزدی، محمدمهدی، ۱۳۰۹-

عنوان و نام پدیدآور: در صحنه غدیر / نویسنده محمدمهدی رکنی یزدی؛ تهیه و تولید اداره تولیدات فرهنگی؛ [برای] آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۷۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۱۰۰-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: غدیر خم

موضوع: غدیر خم -- احادیث

شناسه افزوده: موسسه انتشاراتی قدس رضوی

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. اداره تولیدات فرهنگی

رده بندی کنگره: BP۲۲۳/۵/۴۵۸/۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۲۶۳۹۵

ص: ۱

پیش گفتار ۴

غدیر چیست و غدیر خم کجاست؟ ۷

عید غدیر؛ بزرگ‌ترین عید مسلمانان ۸

در صحنه غدیر و حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ۱۱

خطبه رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در غدیر خم ۱۳

پیام غدیر ۶۶

مسابقه فرهنگی ۷۰

ص: ۳

سخن از رویداد غدیر و اثبات درستی آن، بازخوانی یک داستان گذشته تاریخی نیست؛ بلکه ارتباط مستقیم با عقیده دینی و نظر سیاسی ما دارد و طرح آن برای آشنایی بیشتر با سرگذشت اسلام و سنت نبوی و تشیع علوی است. آری؛ برای آگاهی از تعلیمات قرآن درباره حکومت و اداره اجتماع و آنچه فلسفه سیاسی اسلام می‌خوانیم، چاره‌ای جز حضور در «صحنه غدیر» نداریم:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در هجده ذی قعدة سال دهم هجری، بعد از گزاردن مراسم حج و در بازگشت به مدینه، به امر پروردگار،^(۱) در دشت تفتیده جُحفه، در کنار آبگیر خُم و با حضور انبوهی از حج گزاران، مجلسی بی نظیر تشکیل دادند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در این گردهمایی عظیم، ضمن چند ساعت سخنرانی و ارشاد و وصیت، امام و رهبر و فرمانروا و زمامدار مسلمین را برای آخرین بار به صورت عمومی و رسمی معرفی و تکلیف امت اسلام را تا پایان جهان معین کردند؛ شرایط حاکم و حکومت اسلامی را نام برد و ایمان و نفاق و حق و باطل، همه را آشکارا و با تأکید بیان کرد.

عیدشمردن روز غدیر و یادآوری حادثه‌ای که در بردارد و بازگو کردن خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در این روز عزیز که محدثان و مورخان و مفسران، ذیل آیات مربوط به آن، از اهل سنت نیز نقل کرده اند؛ نه تنها نباید برادران سنتی ما را دلگیر کند، بلکه بر پایه حقیقت طلبی و شناخت وقایع مسلم تاریخی، باید مورد استقبال آن‌ها نیز قرار گیرد و در این مطلب بیندیشند که چرا علمای بزرگ و مصلحان خیراندیش از هزار سال قبل، بر

این روز و رویداد آن تکیه کرده اند؟

در بررسی علمی و بی تعصب به این نتیجه می‌رسیم که خطبه غدیر با حیات اجتماعی اسلام و استقلال و آزادی مسلمانان ارتباط مستقیم دارد؛ زیرا بحث امامت علاوه بر بُعد معنوی و ویژگی‌های امام معصوم، پاسخ این سؤال است که زمام امور مسلمین باید در دست چه گروهی باشد؟ آنان که حقوق سیاسی را در دانشگاه‌های آمریکا و اروپا تحصیل کرده‌اند و تحت تأثیر آراء آن‌ها هستند یا فقیهانی باتقوا، با بصیرت و آگاه به اوضاع زمان که از قرآن مجید و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و شیوه حکومت امام علی و فرزندان معصومشان علیهم السلام می‌توانند در «حوادث واقعه»، تکلیف مسلمانان را استنباط کنند و با بهره‌گیری از متخصصان هر رشته علمی سیاست کشورهای اسلامی را تبیین کنند؟ به راستی کدام گروه برای زمامداری شایسته‌اند؟

خطبه ارزشمند غدیر، شرایط رهبری و سیاست کلی کشورهای اسلامی را تعیین می‌کند که در زمان ما و عصر اطلاعات اهمیت بیشتری نیز یافته است.

ما طرح چنین بحث‌هایی را در این زمان که بیش از هر زمان دیگری، شیعه و سنی به اتحاد و تفاهم نیاز دارند، نه تنها مایه اختلاف نمی‌دانیم؛ بلکه بهترین راه برای معرفی مبانی تشیع و ایجاد حسن تفاهم با برادران اهل سنت برمی‌شمیریم و معتقدیم که در عصر تحقیق و تفحص، این روش بحث و استدلال، برای زدودن شبهات و رفع تهمت‌هایی که دشمنان مشترک ما به هر دو فرقه شیعه و سنی زده‌اند، عاقلانه‌ترین شیوه است.

ص: ۵

با اندکی تفکر درمی یابیم که مسلمانان در جهان سُلطه جوی کنونی و باوجود مستکبران، دو وظیفه مهم دارند: نخست، وظیفه سیاسی اسلامی که آن، احتراز از مایه های تفرقه و ایجاد وسایل اتحاد و حُسن تفاهم است تا طبق حدیث معروف نبوی، همه مقابل غیرمسلمانان، برادروار قدرت واحد باشیم. (۱)

دومین وظیفه شناخت واقعیات تاریخ اسلام است و آنچه بر سر مسلمین آمده است که به صورت کشورهای کوچک مخالف یکدیگر درآمده اند! این سرگذشت غم انگیز را باید در تاریخ چند قرن اخیر کشورهای استعمارگر غربی و مستعمره ها خواند که جای شرحش نیست؛ پس به چند بحث مقدماتی دیگر درباره غدیر می پردازیم.

ص: ۶

۱ - ۲. امالی المفید، ص ۱۸۷: اشاره به بخشی از گفتار نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در مسجد خیف که فرموده اند: «الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَى دِمَائُهُمْ وَ هُم يَدُ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ...؛ مؤمنان برادرند، خونشان برابر است و در برابر غیرخودشان همدست هستند...»

غدیر چیست؟

در بیابان های خشک، رگبارهایی در بهاران فرو می ریزد و گودال هایی خُرد و کَلان در دامنه کوه و دشت، تشنه و آماده، به قدر گنجایش خود، آب باران را در بر می گیرند و ذخیره می کنند.

این مایه حیات، رویش گیاهان و درختانی خاص را سبب می شود و در آن هوای گرم، رهگذران را به خود می خواند تا دمی بیاسایند... این گونه است که «غدیرها» در طبیعت شکل می گیرند و از آن ها استفاده می شود. «غدیر» در پارسی به آبگیر، برکه، تالاب و شمر معنا شده است.^(۱)

در آثار اسلامی، در شعر، نثر، تاریخ، حدیث و تفسیر با ترکیب های واقعه غدیر، روز غدیر، عید غدیر، حدیث غدیر و غدیرخم مکرر برمی خوریم. مقصود از همه این ها رویداد تاریخی هجده ذی حجه سال دهم هجری و سخنرانی بلندی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بعد از اقامه نماز ظهر در کنار غدیرخُم بیان فرمودند و در آن، مناقب علی بن ابی طالب را بر شمرده و این بزرگوار را به امامت و ولایت مسلمین منصوب کردند.

غدیر خُم کجاست؟

در سرزمین عربستان، بین دو شهر بزرگ مکه و مدینه، در فاصله دو میلی جُحفه، آبگیری است به نام «خُم».^(۲)

اهمیت آب در چنین مناطق خشکی، موجب شده است که نام این غدیر به صحرايي که در آن واقع شده است نیز گفته شود؛ بدین جهت غدیرخم را وادی بین مکه و مدینه، در نزدیکی جُحفه که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم در آن خطبه خواندند نیز نوشته اند.^(۳)

ص: ۷

۱- . علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، غدیر. شواهد شعری فارسی را در این مأخذ می توان دید.

۲- . مُعجم البُلدان، یاقوت حموی: خُم.

۳- . وفيات الأعیان، ج ۲، ص ۲۲۳.

غدیرخم با چند تک درخت بیابانی و آب درون برکه، منزلگاه مناسبی برای کاروانیان و رهگذران فرسوده میان مکه و مدینه است. به علاوه از نظر جغرافیایی هم موقعیتی خاص دارد؛ از این جهت که در بازگشت از مکه، راه اهل مدینه و مصریان و عراقیان در آنجا از

یکدیگر جدا می شود؛ بنابراین مکان مناسبی برای سخنرانی عمومی و ابلاغ مطلبی همگانی است. پس علت انتخاب آن محل خاص، موقعیت جغرافیایی اش بوده است.

از دیرزمان که جغرافی دانان و تاریخ نویسان، نامی از «غدیرخم» برده اند، این واقعه را یادآور شده اند که پیامبر معظم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در آنجا خطبه ای بلیغ در فضایل علی علیه السلام و اولوایت و امامتش ایراد کرد که انبوهی از مسلمانان آن را شنیدند. تعداد این جمعیت را تا بیش از صد هزار تن هم گفته اند.

عید غدیر

در تاریخ کهن سال بشر، روزهای مهم و سرنوشت سازی وجود دارد. مورخان به دلیل اهمیت فراوان و آثار مفید این ایام، با یادآوری مجدد هر ساله، آن روزها را در خاطر مردم ضبط می کنند و بدین گونه شناسنامه فرهنگی و کارنامه افتخارات کشورها نگاشته می شود.

این روزهای افتخارآفرین، در تقویم و تاریخ های ملت ها، «عید» نامیده می شود؛ یعنی روزی که پیروزی ملی یا شادمانی عمومی در آن «عود» می کند و خاطرات خوش گذشتگان و موفقیت های قومی یا دینی و اعتقادی، تجدید می شود.

در آیین اسلام که بر پایهٔ ایمان و عمل صالح پایه گذاری شده است، دو عید بزرگ فطر و قربان، یکی بعد از پایان یک ماه روزه داری و تزکیهٔ نفس و دیگری با حضور در آیین جهانی حج و بیرون رفتن از تعلقات مادی وضع شده است؛ یعنی مسرت و شکرگذاری از توفیقی که برای ادای فریضهٔ روزه و حج پیدا کرده است.

بعضی از اعیاد دیگر، به مناسبت رویدادهای مهم تاریخی است که منشأ هدایت و فلاح انسان ها شده است؛ مانند: عید مبعث و غدیر. اگر علت اهمیت ایام را آثار معنوی و تربیتی آن ها بدانیم، بی شک بعد از مبعث رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، روز غدیر، مهم ترین و گرامی ترین روزهاست و سزاوار بزرگداشت و عید گرفتن؛ زیرا ادامهٔ بعثت و تکمیل همان انگیزش فرهنگی و گذر از ظلمتِ جهل و شرک به نور علم و یکتاپرستی و از عداوت زمان جاهلیت به برادری اسلامی است.

عید غدیر، روز اکمال دین و اتمام نعمت اسلام است؛ زیرا روزی است که در آن، شایسته ترین رهبر و حاکم دادگستر برای اجرای احکام قرآن تعیین و تثبیت شده است.

عید غدیر، روزی است که در آن، زمام مسلمانان به دست عدالت محض و حق آشکار و توحید خالص سپرده شده است.

عیدغدیر روزی است که امامت و امیرمؤمنان بودن علی بن ابی طالب علیه السلام ازطرف خداوند عالم، به زبان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم ابلاغ شده و در وفای به آن، از مسلمانان پیمان گرفته شده است و بزرگان اصحاب بر این منصب به او (امام علی علیه السلام) تبریک و تهنیت

گفتند و حسان بن ثابت به زبان رسای شعر، واقعه را بازگو کرد. (۱) [h۱]

این مزایا سبب شده است که هجدهم ذی حجه برتری خاصی پیدا کند و در سرشت خود، روزی مبارک و فرخنده و شایسته عیدبودن باشد؛ به ویژه که از سوی امامان معصوم علیهم السلام نیز به اهمیت و عیدبودنش تصریح شده است. از جمله امام صادق علیه السلام به نقل از پدران خود و آن بزرگواران علیهم السلام از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند: «روز غدیر بافضیلت ترین عیدهای امت من است و آن روزی است که خدای تعالی امر کرد که برادرم علی بن ابی طالب را نشانی راهنما در مسیر حیات اتمم قرار دهم تا پس از من، به وسیله او راه یابند و به ضلالت نیفتند. [غدیر،] روزی است که خدا دین را در آن کامل و نعمت را بر اتمم تمام کرد و جشنود شد که اسلام، دین آنان باشد.» (۲)

سیره امام رضا علیه السلام نیز چنین بود که در روز غدیر، شیعیان و اطرافیان خود را اکرام می کردند و بیش از آنچه رسم بود، به آنان هدیه می دادند. (۳)

[h۱] ص؟؟؟

عیدبودن غدیرخیم، در کتب تاریخی هم منعکس است؛ چنان که ریاضی دان و مورخ بزرگ، ابوریحان بیرونی نوشته است: «روز هجدهم ذی حجه، عید غدیرخیم است و آن منزلی (۴)

است که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم پس از حجه الوداع، در آنجا فرود آمد...» (۵)

این دانشمند، در ادامه این مطلب، گفتار حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را درزمینه ولایت و فضیلت امام علی علیه السلام نقل می کند.

ص: ۱۰

۱- . نک: الغدیر، ج ۱.

۲- . نک: الغدیر، ج ۱، ص ۲۸۳.

۳- . نک: همان، ج ۱، ص ۲۸۷.

۴- . محل نزول کاروان

۵- . ترجمه آثار الباقیه، ص ۳۹۵؛ متن عربی، ص ۳۳۴.

در صحنه غدیر و حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

انسان این توان را دارد که بر بال اندیشه نشسته و در سفری معنوی، فکر خود را به قرن های گذشته بفرستد. از این توانایی استفاده می کنیم و از میان حوادث سرنوشت ساز گذشته، مقطعی از تاریخ اسلام، یعنی سال دهم هجری و روز هجدهم ذی حجه را برمی گزینیم تا بنگریم صحنه ای را که تاریخ نویسان و مفسران برای ما ترسیم کرده اند:

اینک دشت جُحفه را لبریز از جمعیت می بینیم. شوق شنیدن آخرین تعلیمات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، ضربان قلب ها را با نرم آهنگ عبور لحظه ها در هم آمیخته و دیدن چهره ملکوتی اش چشم ها را از انتظار پُر و گرمای آفتاب تن گداز را تحمل پذیر کرده است.

با دست خیال، پرده قرون را کنار می زنیم و با پای اندیشه، خویشتن را به انبوه هزاران صحابی حج گزارده می رسانیم. برای نیوشیدن نوای آسمانی پیامبران که از عمق وجود مبارکشان برمی خیزد، در مجلس می نشینیم و گفتار آن عزیز صلی الله علیه و آله وسلم را استماع می کنیم که با تکرار مُعیدها(۱) به گوش همگان رسانده می شود:

توحید خالص، کمال عبودیت در برابر پروردگار جهانیان و تسلیم بودن در برابر حکمش، ادای وظیفه پیغام رسانی، اعتراف گرفتن از حاضران بر رساندن پیام الهی، بیم از انحراف امت پس از وی و برحذر داشتن از آن، ویژگی و خصوصیات مؤمنان و منافقان، شاهد آوردن از آیات قرآن، بشارت و انداز، معرفی آشکار و مکرر حضرت علی علیه السلام به امامت و توصیه به اطاعت

ص: ۱۱

۱- . مُعید: اعاده کننده درس یا گفتار (نک: لغت نامه دهخدا). در گذشته، در مجالس تدریس یا سخنرانی هایی که جمعیت زیاد بوده است، از اشخاصی که صوتی رسا داشتند، برای تکرار مطالب استفاده می کردند. این افراد، مُعید خوانده می شدند.

از آن حضرت علیه السلام، یاد کردن امامان معصوم علیهم السلام از نسل امام علی علیه السلام؛ به ویژه نام بردن از امام مهدی، قائم منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و بالاخره تعیین حضرت علی علیه السلام به عنوان مخزن علم نبوی، مفسر قرآن، امیر مؤمنان و میزان حق و باطل و درنهایت، بیعت گرفتن از مردم بر آن، فهرست مطالبی است که از سوی آن رهبر نگران حال مسلمین (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم)، ضمن چند ساعت سخنرانی بیان و بر رساندن آن ها به آیندگان سفارش شده است.

مأخذ مترجم در نقل خطبه، کتاب الاحتجاج علی اهل اللجاج، تألیف ابومنصور احمد بن علی طبرسی است که در نیمه دوم قرن پنجم و اوایل قرن ششم می زیسته است. در کتاب گفته شده، راویان خطبه نام برده شده اند که در این نوشتار از نقل آن صرف نظر شد.

در تجدیدنظری که برای چاپ دوم به عمل آمد ضمن مقابله متن خطبه با چاپ جدید الاحتجاج، ترجمه آن نیز بازنگری و اصلاح شد.

امید است ویرایش جدید کتاب حاضر، با حجم کمتر، بیانی بهتر یافته باشد و جوانان بتوانند زودتر در مجلس روحانی و پرشور پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم حضور یافته و با تندیس عدالت و مجسمه حقیقت و جانشین نبوت، دست بیعت دهند و عملاً پیروی از ایشان را پذیرا شوند.

این است خطابه بلند و بلیغ رسول خدا و ختم انبیا صلی الله علیه و آله وسلم از بیان امام محمد بن علی، باقرالعلوم علیه السلام برابر روایتی که در کتاب الاحتجاج آمده است:

خطبة رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم در غدیر خم

ص: ۱۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ، وَ دَنَا فِي تَفَرُّدِهِ، وَ جَلَّ فِي سُلْطَانِهِ، وَ عَظَمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ
وَ قَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَ بُرْهَانِهِ، مَجِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَّا يَزَالُ، بَارِي الْمَسْمُوكَاتِ وَ دَاحِي الْمَدْحُوتَاتِ، وَ جَبَّارُ الْأَرْضَيْنِ وَ
السَّمَاوَاتِ.

سُبُوْحُ قُدُوسٍ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ، مُتَفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مَن بَرَأَهُ مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مَن أَنْشَأَهُ.

يَلْحِظُ كَمَلَّ عَيْنٍ وَ الْعِيُونَ لَّا تَرَاهُ، كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنَاةٍ. قَدْ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ، وَ مَنَّ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ، لَّا يَعْجَلُ بِإِنْتِقَامِهِ وَ لَّا يُبَادِرُ
إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ.

قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ، وَ عِلِمَ الضَّمَائِرَ وَ لَمْ خَ تَفَّ عَلَيْهِ الْكُنُونَاتُ، وَ لَ

اشْتَبَهَتْ عَلَيْهِ أَخَ لَفِيَّاتُ.

شَ يءِ

شَ يءِ وَ الْقُوَّةُ فِي كُلِّ

شَ يءِ، وَ الْغَلْبَةُ عَلَى كُلِّ

بِكُلِّ حَاطَةٍ

لَهُ أَل

وَ الْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ءِ.

ص: ١٤

سپاس و ستایش خدایی را که در یکتاییِ خود، بلندمرتبه و در عین یگانگی، به موجودات نزدیک است؛ سلطنتش شکوهمند و آرکان قدرتش با عظمت است. بدون هیچ حرکت و انتقالی، علم و آگاهی اش همه چیز را فرا گرفته است و با قدرت و بُرهانش، بر عموم آفریدگان قاهر و غالب است.

بزرگواری اش دائم و همواره مورد حمد و ستایش است. بر فرازندهٔ بلندی ها و گسترانندهٔ سطح زمین و مسلط بر زمین و آسمان هاست.

بسیار منزّه و پاک از هر عیب و بدی و پروردگار فرشتگان و روح است. تفضّل کننده است بر آنچه پدید آورده و افزون بخش است بر آنچه ایجاد کرده است.

هر چشمی را می بیند؛ ولی چشم ها او را نمی بینند. کریم و بُردباری است که بندگان را مهلت می دهد (با آن ها مدارا می کند). رحمت و وسیعش همه چیز را فرا گرفته و با نعمت فراوانش، به آفریده هایش احسان کرده است. در انتقام گرفتن [از گردنکشان] شتاب نکند و در عذابی که استحقاقش را یافته اند، سرعت نگیرد.

قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ، وَ عَلِمَ الضَّمَائِرَ وَ لَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكُونَاتُ، وَ لَا اشْتَبَهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ.

لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ ءِ، وَ الْعَلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ءِ وَ الْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ ءِ وَ الْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ءِ. وَ لَيْسَ مِثْلَهُ شَيْءٌ ءِ، وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ ءِ حِينَ لَا شَيْءٌ ءِ.

دَائِمٌ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ، وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايَنَتِهِ، وَ لَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرِّ وَ عَلَانِيَتِهِ، إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى نَفْسِهِ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ، وَ الَّذِي يَعْنَى الْأَبَدَ نُورَهُ، وَ الَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلَا مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ،

مطالب پنهانی را می فهمد و به آنچه در ضمیر و باطن افراد است، علم دارد و نهفته ها بر وی پوشیده نیست و آنچه مخفی است، موجب اشتباه او نمی شود. او را بر همه چیز احاطه و غلبه است، توان و نیرویش در هر شیء، نافذ و قدرتش بر همه چیز مسلط است،

. وَ لَيْسَ مِثْلَهُ شَيْءٌ ، وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ ءِ حِينَ لَا شَيْءَ .

دَائِمٌ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ، وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايِنَتِهِ، وَ لَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرِّ وَ عِلَانِيَتِهِ، إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى نَفْسِهِ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ، وَ الَّذِي يَغْشَى الْأَبَدَ نُورُهُ، وَ الَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِمَا مُشَاوَرَهُ مُشِيرٌ،

وَ لَمَّا مَعَهُ شَرِيكٌ فِي تَقْدِيرٍ، وَ لَا تَفَاوُتٌ فِي تَدْبِيرٍ. صَوَّرَ مَا أُبْدِعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَ خَلَقَ مَا خَلَقَ بِمَا مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَ لَا تَكْلُفٍ وَ لَا اِحْتِيَالٍ.

أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ، وَ بَرَّأَهَا فَبَانَتْ. فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَّقِنُ الصَّنْعَةَ الْحَسَنُ الصَّنِيعَةَ.

او را هیچ مثل و مانندی نیست؛ هستی بخش اشیاست؛ آنگاه که هیچ چیز وجود نداشت.

جاویدان موجودی است که برپای دارنده قسط (۱) است. معبودی نیست جز او که عزیز (۲) و حکیم (۳) است.

برتر است از اینکه دیدگان او را دریابند؛ ولی او دیدگان را دریافته می بیند که او لطیف (۴)

و آگاه است. هیچ کس با دیدن، نمی تواند او را وصف کند و احدی چگونگی نهان و آشکار او را نمی یابد، جز آنچه ذات عزّ و جل، خود به شناسایی اش دلالت فرموده است.

شهادت می دهم اوست خدایی که آثار قدس و پاکی اش سراسر گیتی را پر کرده است؛ اوست خدایی که نورش ابدیت را فرا گرفته است. آفریدگاری [است] که فرمانش را بدون مشورت با کسی اجرا می کند.

و در تقدیر و اندازه گیری امور برای او شریک وجود ندارد و در تدبیرش هیچ اختلاف و نابسامانی نیست.

آنچه را ایجاد کرده، بدون الگو و نمونه قبلی به تصویر کشیده و هر آنچه را آفریده، بی کمک احدی و بدون به رنج افتادن و چاره جویی بوده است.

آفرید؛ پس موجودات، هستی یافتند؛ ایجاد کرد و عالم، ظهور یافت؛ پس اوست خدایی که جز او معبودی نیست؛ صُنعش استوار و ساخته اش نیکوست.

ص: ۱۷

-
- ۱- . نصیب و قسمتی که عادلانه به هر فرد برسد.
 - ۲- . قاهر و غالبی که هیچ گاه مغلوب نمی شود.
 - ۳- . دانای حقیقی، استوار کار، درست کارِ درست گفتار.
 - ۴- . عالم به دقایق امور، باریک دان.

الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ وَ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ. مَلِكُ الْأَمْلاَكِ وَ مُفْلِكُ الْأَفْلاَكِ وَ مُسْحَرُ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ، كُلُّ يَجْرِي لِأَجْلِ مُسَمًّى.

يُكْوِرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَ يُكْوِرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ، يَطْلُبُهُ حَثِيثًا.

قَاصِمٌ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ مُهْلِكٌ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ.

لَمْ يَكُنْ مَعَهُ ضِدٌّ وَ لَا نَدٌّ، أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ رَبُّ مَا جَدَّ يَشَاءُ فَيَمْضِي، وَ يُرِيدُ فَيَقْضِي، وَ يَعْلَمُ فَيُحْصِي، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ يُفْقِرُ وَ يُغْنِي، وَ يُضْحِكُ وَ يُبْكِي، وَ يَمْنَعُ وَ يُعْطِي.

لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ،

همه عدل است و ستم نکند و کریمی است که بازگشت امور عالم به اوست.

گواهی می دهد اوست خدایی که همه چیز در برابر قدرتش به فروتنی سر نهاده و در برابر شکوهش خاضع و کوچک است.

مالک و صاحب املاک (مال ها و حکومت ها) و گرداننده افلاک است. تسخیرکننده خورشید و ماه است که هر یک تا زمان معلومی به حرکت خود ادامه می دهد. توانایی است که شب را به روز و روز را به شب می پوشاند درحالی که هر یک، دیگری را شتابان می طلبد.

درهم شکننده هر ستمگر کینه توز و ستیزه جو و نابودکننده هر شیطان سرکش است.

برای او ضد و شبیه و شریکی (۱)

نیست. یکتایی است که مقصود همگان و پناه نیازمندان است؛ نمی زاید و زاییده هم نشده است؛ هیچ کس همتا و همانند او نیست.

خدایی یگانه و پروردگاری بلندمرتبه که آنچه بخواهد، اجرا می کند و هرچه را اراده فرماید، برطبق آن حکم می کند. همه چیز را می داند و شماره می کند؛ می میراند و زنده می کند؛ تهی دست کرده و بی نیاز می کند؛ می خنداند و به گریه درمی آورد؛ عطایش را باز می گیرد و می بخشد؛ سلطنت و فرمانروایی برای او و ستایش، ویژه اوست؛ خوبی ها همه به دست اوست و بر همه چیز تواناست؛ شب را به روز و روز را به شب داخل می کند.

ص: ۱۹

۱- نک: المفردات: «نَدِيدُ الشَّيْءِ مُشَارِكُهُ فِي جَوْهَرِهِ وَ ذَالِكَ ضَرْبٌ مِنَ الْمُمَائِلَةِ» (ندید هر شیء شریک در ذاتش بوده و این نوعی از همانندی است).

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ.

مُجِيبُ الدُّعَاءِ وَ مُجْزِلُ الْعَطَاءِ، مُخْصِي الْأَنْفَاسِ وَ رَبُّ الْجَنَّةِ وَ النَّاسِ.

لَا يُشْكِلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَ لَا يُضْجِرُهُ صُرَاخُ الْمُسْتَضْرِحِينَ، وَ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمَلْحِينَ.

الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَ الْمُؤَفِّقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ الَّذِي اسْتَيْحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَ يَحْمِدَهُ
أَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ.

وَ أَوْمَنُ بِهِ وَ بِمَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ. أَسْمَعُ أَمْرَهُ وَ أُطِيعُ وَ أَبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ، وَ أَسْتَسْلِمُ لِقَضَائِهِ، رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَ خَوْفًا مِنْ
عُقُوبَتِهِ، لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمَنُ مَكْرَهُ وَ لَا يَخَافُ جَوْرَهُ.

وَ أَقْرَبُ لَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ، وَ أَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَ أُوَدِّي مَا أَوْحَى إِلَيَّ حَذَرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ، فَتَحَلَّ بِى مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي
أَحَدٌ وَ إِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ.

لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ، وَ قَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْعِصْمَةَ وَ هُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ فَأَوْحَى
إِلَيَّ:

معبودی نیست جز او که قدرتمند بسیار آمرزنده است. اجابت کننده دعا و بخشنده عطا، شمارشگر نفس ها و پروردگار جن و انس است.

هیچ کاری برای او سخت و دشوار نیست، فریاد دردمندان او را آزرده و دلشنگ نسازد و پافشاری اصرارکنندگان او را ملول و خسته نکند.

نگهدار شایستگان [از خطا و لغزش]، توفیق بخش رستگاران، صاحب اختیار مؤمنان و پروردگار جهانیان است. چنین خدایی حق دارد و سزوارست که همه آفریدگان شکرش کنند و در شادی و بدحالی و سختی و راحتی، سپاس و حمدش گویند.

به او و فرشتگان و کتاب ها و رسولانش ایمان دارم. امرش را می شنوم و اطاعت می کنم. به هر کاری که او را خشنود می کند، سرعت می گیرم. حکمش را گردن نهاده و تسلیم می شوم؛ چراکه طاعتش را مایل بوده از عقوبتش بیمناکم؛ زیرا او خدایی است نه فردی از مکر و فروگرفتن ناگهانی اش ایمن است و نه وحشت و ترسی از ظلمش دارد.

به بندگی ام در برابر خداوند اقرار می کنم و به پروردگاری اش گواهی می دهم. آنچه بر من وحی کرده است، ادا می کنم؛ زیرا می ترسم که اگر انجام ندهم، عذاب کوبنده ای از طرف او بر من فرود آید که احدی نتواند آن را از من دفع کند؛ هرچند بسیار تدبیر و چاره سازی کند چراکه جز او خدایی نیست.

همانا او به من اعلام فرمود که اگر آنچه بر من نازل شده است، ابلاغ نکنم؛ وظیفه رسولی و پیام رسانی او را انجام نداده ام و خدای تعالی هم ضمانت کرده است که مرا حفظ کند و او خدای کفایت کننده کریم است؛ پس بر من وحی فرستاد:

إِنَّمَا أَنزَلْنَا الْقُرْآنَ لِتُدْرِكَ الْأُمَّةَ وَتُنذِرَ الْمُجْرِمِينَ [١]

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا قَصَرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْكَ وَأَنَا مُبَيِّنٌ لَكُمْ سَبَبَ نُزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ.

إِنَّ جَبْرِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامَ هَيَّطَ إِلَيَّ مِرَارًا ثَلَاثًا يَا مُرْنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي - وَهُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأُعَلِّمَ كُلَّ أَبِيضٍ وَ
أَسْوَدٍ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا
أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ. وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ: [إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ
وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ] [٢]

ص: ٢٢

١ - . مائده، ٦٧.

٢ - . مائده، ٥٥.

ای رسول! آنچه از پروردگارت به تو نازل شد، به مردم برسان که اگر چنین نکنی و نرسانی، رسالتش را ابلاغ نکرده ای [و
وظیفهٔ پیغامبری را ادا نکرده ای؛ نترس که] خدا تو را از شرِّ مردم حفظ خواهد کرد. (۱)

ای مردم! در رساندن آنچه خدای تعالی بر من نازل کرده است، کوتاهی نکرده ام و اینک سببِ نزولِ این آیه را برای شما
روشن می کنم:

همانا جبرئیل علیه السلام سه مرتبه بر من فرود آمد و از طرف خداوند سلام (۲)،

پروردگارم - و فقط او سلام است - به من فرمان داد که در این جمع و حضور همگانی بر پا ایستم و بر هر سفیدپوست و سیاه
چهره ای (همگان) اعلام کنم که علی، فرزند ابوطالب، برادر و وصی و جانشین من و امام بعد از من است. [او] آن [کسی
است] که نسبت و منزلتش به من، مانند نسبت و موقعیت هارون به موسی است؛ جز اینکه بعد از من، پیامبری نیست.

او بعد از خدا و پیامبرش، ولی و سرپرست شماست. خدای تبارک و تعالی در این باره آیه ای از کتابش بر من فرستاد:
«همانا ولی امر و صاحب اختیار شما تنها خدا و رسول او و آن مؤمنانی خواهند بود که نماز را به پا داشته و در حال رکوع [به
فقیر] زکات می دهند». (۳)

ص: ۲۳

۱- . مائده، ۶۷: برای ملاحظهٔ شأن نزول این آیه نک: الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۹۸.

۲- . نک: المفردات: خدای تعالی از آن جهت به «سلام» موصوف شده است که از عیوب و آفاتی که به خلق می رسد، سالم
و دورست.

۳- . مائده، ۵۵: به اتفاق نظر مفسران عامه و خاصه، این آیه در شأن امام علی علیه السلام نازل شده است. نک: الکشاف،
جارالله زمخشری، ج ۱، ص ۶۴۹؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۱۰ و ۲۱۱؛ تفاسیر دیگر، ذیل همین آیه.

وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ.

وَسَأَلْتُ جَبْرِئِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقَلْبِهِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِدْغَالِ الْآثِمِينَ وَخْتَلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالسَّلَامِ،

الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِالْإِسْتِثْمَةِ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَ«يَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا» أَوْ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ [١] وَكَثْرَهُ أَذَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ، حَتَّى سَيِّمُونِي أَذْنًا وَزَعَمُوا أَنِّي كَمَا ذَكَرْتُ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِيَّايَ وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ قُرْآنًا: [وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ] [٢]

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّيَ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ، وَأَنْ أُؤَمِّيَ إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لَأُؤَمِّمْتُ وَأَنْ أَدُلَّ عَلَيْهِمْ لَدَلَّيْتُ، وَلَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكَرَّمْتُ. وَكُلُّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ ثُمَّ تَلَا:

ص: ٢٤

١- . نور، ١٥.

٢- . توبه، ٦١.

و این علی پسر ابوطالب است که نماز را به پا داشت و در حال رکوع، زکات پرداخت و اوست که در همه حال جز خدای عزّ و جل هدف و مقصود دیگری ندارد.

من از جبرئیل خواستم که مرا از رساندن و گفتن این پیام به شما مردم مُعاف کند؛ زیرا از کمی تقوایبندگان و زیادی منافقان و نیرنگ گناهکاران و فریب مسخره کنندگانِ اسلام آگاه بودم؛ همانان که خداوند در کتابش وصف کرده است و می فرماید: به زبان هاشان چیزی می گویند که در دل هاشان نیست و این را برای خود، کاری ساده و بی اهمیت حساب می کنند؛ «درحالی که نزد خدا خطایی بزرگ است.» آنان که [نه یک بار، بلکه] همواره مرا بسیار می آزرندند تا جایی که مرا اُذُن (حرف شنو و خوش باور) نامیدند و گمان کردند، به علت همراهی زیاد علی با من و عنایت من به او، این چنین هستم؛ تا اینکه خدای عزّ و جل در این باره آیه ای نازل فرمود: «از ایشان کسانی هستند که پیامبر را اذیت می کنند و می گویند: 'او اُذُن (حرف شنو زودباور) است. بگو: 'زودباوری او به نفع شماست! [ولی بدانید] او به خدا ایمان دارد و [تنها] مؤمنان را تصدیق می کند و رحمت است برای کسانی از شما که ایمان آورده اند!» و آن ها که رسول خدا را آزار می دهند، عذاب دردناکی دارند!» اگر می خواستم گویندگانِ چنین گفتاری را نام ببرم، بیان کرده و به فرذفردشان اشاره می کردم و یک یک ایشان را معرفی می کردم؛ امّا به خدا سوگند، درباره آن ها بزرگواری می کنم؛ با این همه خدا از من راضی نمی شود؛ مگر آنچه بر من فرو فرستاده است را برسانم. سپس

تلاوت فرمود:

ص: ۲۵

[إيا أئبها الرُّسولُ بَلَّغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ] (١)

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَ بِهِ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ وَعَلَى الْيَدَى وَالْحَاضِرِ وَعَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ وَعَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ مَاضٍ حُكْمُهُ جَائِزٌ قَوْلُهُ نَافِذٌ أَمْرُهُ. مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ، مُؤْمِنٌ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَاسْتَمِعُوا وَأَطِيعُوا، وَانْقَادُوا لِأَمْرِ رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَهُكُمْ ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُكُمْ مُحَمَّدٌ وَوَلِيِّكُمْ، الْقَائِمُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَوَلِيُّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمٍ تَلْقَوْنَ اللَّهَ عَزَّ إِسْمُهُ وَرَسُولُهُ.

ص: ٢٤

«ای پیغمبر! برسان آنچه از پروردگارت به تو نازل شده است که اگر عمل نکنی، رسالتش را ابلاغ نکرده ای؛ [پروا مکن که] خدا تو را از شرّ مردم حفظ می کند.»

پس بدانید ای مردم! خداوند او را به سرپرستی و امامت شما منصوب کرده، [او] پیشوایی [است] که فرمانبرداری اش بر مهاجرین و انصار و تابعین(۱)،

بر بیابانی و شهری، غیرعرب و عرب، آزاد و بنده، کوچک و بزرگ و سفید و سیاه واجب و حتمی است و بر هر مؤحدی، فرمانش جاری و گفتارش روا و بجا و امرش نافذ است.

هر که با او مخالفت کند، ملعون است و آن که پیروی اش کند، مورد رحمت الهی است. آن که تصدیقش کند، مؤمن است و سخن نیوش و طاعت پذیر او مشمول آمرزش خداوندی است.

ای گروه مردم! این آخرین نوبت است که در حضور انبوه شما به سخن برخاسته ام. به گفتارم گوش فرا داده و [آن را] بپذیرید و فرمان پروردگارتان را گردن نهید؛ چرا که خدای عزوجل همو اختیاردار و معبود شماست، بعد از او پیامبران محمد صلی الله علیه و آله وسلم ولی و سرپرست شماست، همو که اینک با شما به سخن ایستاده است، آنگاه بعد از من به فرمان خدا، علی سرپرست و امام شماست؛ سپس امامت و رهبری تا ملاقات خدا و رسولش در رستاخیز، برای ذریه من از فرزندان اوست.

ص: ۲۷

۱- تابعین: افاضل مسلمین را در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مصاحب رسول می نامیدند؛ زیرا فضیلتی برتر از این عنوان نبود و بدین سبب آن ها را «صحابه» می گفتند. چون عصر دوم اسلام فرا رسید، آنان که صحبت صحابه حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را درک کرده بودند، تابعین خوانده می شدند؛ نقل از: نفحات الانس، جامی، به نقل از لغت نامه دهخدا.

لَمَّا حَلَمَ إِذَا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَ لَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ. عَرَّفَنِي [اللَّهُ] الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ، وَ أَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ إِلَيْهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ قَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ، وَ كُلُّ عِلْمٍ عَلَّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلَيَّ وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ.

عَاشِرَ النَّاسِ لَا تَضَعُوا عَنْهُ وَ لَا تَنْفِرُوا مِنْهُ، وَ لَا تَشْتَكِبُوا [وَ لَا تَشْتَكِفُوا] مِنْ وَلَاتِهِ فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ يَعْمَلُ بِهِ وَ يُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَ يَنْهَى عَنْهُ وَ لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ.

ثُمَّ إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ، وَ هُوَ الَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ وَ هُوَ الَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَا أَحَدَ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضَلُّوهُ فَقَدْ فَضَلَهُ اللَّهُ، وَ أَقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَ لَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَعَائَتَهُ وَ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا شَدِيدًا نَكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ.

جز آنچه خداوند حلال و حرام فرموده است، چیزی حلال و حرام نیست. خدا حلال و حرام را به من شناساند و من آنچه پروردگارم از حقایق قرآن و حلال و حرام به من آموخت، به علی واگذار کردم.

ای مردم! هیچ علمی نیست؛ مگر اینکه خداوند در من فراهم آورده است و من همه دانش هایم را در پیشوای متّین گرد آورده و قرار دادم و دانشی نیست که به علی نیاموخته باشم و او امامی است که آن ها را برای شما بیان می کند. (۱)

۴

ای مردم! از علی منحرف نشوید و از او کناره نگیرید و از ولایت و زعامت او سر باز نزنید؛ همانا او کسی است که به سوی حق راهبری کرده و به آن عمل می کند، باطل را در هم کوبیده و از آن نهی می کند و هیچ گاه سرزنش ملامتگری او را از راه خدا باز نمی دارد.

علاوه بر این، علی اوّلین کسی است که به خداوند و رسولش ایمان آورد و خود را فدایی رسول خدا کرد. او کسی است که با رسول خدا بود و هیچ مردی جز او با رسول خدا، خدا را عبادت نمی کرد.

ای مردم! او را برتر بدارید که خداوند او را برتری و فضیلت داده است. او را بپذیرید که خداوند او را نصب کرده است.

ای مردم! علی امام از طرف خداست. خداوند هرگز توبه منکر ولایت او را نپذیرد و هرگز او را نیامرزد. بر خداوند حتم است که با مخالف فرمانش در این باره بدین گونه عمل کرده و او را همواره و جاودان به عذاب سخت معذب کند.

ص: ۲۹

۱- . اشاره به یس، ۱۲: [وَكُلَّ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ]؛ (و همه چیز را در کتاب آشکارکننده ای برشمرده ایم!)

فَاخْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَضَلُّوا نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ بِي وَ اللَّهِ بُشِّرَ الْأَوْلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَ أَنَا خَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ.

فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَهُوَ كَافِرٌ كُفِّرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ مَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مِنْهُ، وَ الشَّاكُّ فِي ذَلِكَ فَلَهُ النَّارُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ حَبَانِي اللَّهُ بِهَيْدِهِ الْفَضِيلَةَ مَنَّا مِنْهُ عَلَيَّ وَ إِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ مِنِّي أَبَدَ الْأَبَدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضُّلُوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعِيدِي مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى، مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَ بَقِيَ الْخَلْقُ. مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَعْضُوبٌ مَعْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا، وَ لَمْ يُوَافِقْهُ.

أَلَّا إِنَّ جِبْرَيْلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَ يَقُولُ مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَ لَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَ غَضَبِي [

بترسید از مخالفت [پروردگار] که به آتشی دچار خواهید شد که مایه سوختن، مردم و سنگ آتش افروز است که برای کفرپیشگان مهیا شده است.

ای مردم! به خدا سوگند، همه پیامبران و رسولان پیشین، به آمدن من بشارت داده اند و من خاتم انبیا و آخرین رسولانم و حجت بر همه آفریدگان از آسمانیا و اهل زمین هستم.

آن که در این باره شک کند، کافر است؛ [این کفر] مانند کفر زمان جاهلیت نخستین [است] و آن که در چیزی از این سخنان تردید کند، چنان است که در تمام سخنان تردید کرده است و آن که در چنین مطلبی شک کند؛ سزاوار آتش است.

ای مردم! این فضیلتی است از طرف خدا بر من و منّتی است که پروردگار بر من نهاده و احسانی است که او بر من کرده است و معبودی جز او نیست؛ ستایش و سپاس جاودانی من برای همیشه روزگار و در هر حال، ویژه اوست.

ای مردم! علی را مقدم دارید و از خود برتر بدانید. همانا او بعد از من، شایسته ترین انسان از میان مردان و زنان است تا وقتی که خداوند رزق و روزی فرو می فرستد و هستی برجاست (یعنی تا پایان دنیا). ملعون است، ملعون است و مغضوب است، مغضوب است؛ کسی که این سخنان را رد کرده و با آن موافقت نکند.

بدانید! جبرئیل از طرف پروردگارم مرا به این امر آگاه کرد و چنین می گوید: «هر که با علی دشمنی ورزد و ولایتش را نپذیرد، لعنت و خشم من (خداوند) بر او باد.»

فَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ [١] وَ اتَّقُوا اللَّهَ أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَرَلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ جَنَّبَ اللَّهُ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ، قَالَ تَعَالَى: [أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ]. [٢]

مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ افْهَمُوا آيَاتِهِ وَ انظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ،

متشابهاتش پیروی نکنید.

فَوَ اللَّهُ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَ لَا يُوضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ مُضْعِدُهُ إِلَيَّ وَ سَائِلٌ بِعَضُدِهِ وَ مُعَلِّمُكُمْ:

أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ، وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخِي وَ وَصِيِّ، وَ مَوْلَاتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُمُ الثَّقَلُ الْأَصِغَرُ، وَ الْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مُنْبِئِي عَنِ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. هُمْ أَمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكْمَاؤُهُ فِي أَرْضِهِ.

ص: ٣٢

١- . حشر، ١٨.

٢- . زمر، ٥٦.

«هرکس باید بیندیشد که برای فردای خود چه پیش فرستاده است» و پرهیزید از مخالفت امرِ خدا. چه بسا قدم‌ها که پس از استواری بلغزد و به خطا رود؛ همانا خداوند به آنچه عمل می‌کنید، آگاه است.

ای مردم! علی، همان «جَنبُ اللَّهِ» است که [خداوند] در کتابش ذکر فرموده است. خدای تعالی گفت: «[در آن روز] هرکسی می‌گوید: ای اندوها و دریغا بر آنچه در جَنبِ خدا از دست دادم.»

ای مردم! در قرآن ژرف اندیشی کنید و آیاتش را بفهمید؛ در محکّماتش نیک بنگرید و از

سوگند به خدا، هرگز کسی برایتان نواهی و مُحَرّمات قرآن را روشن نکند و تفسیر آیاتش را برای شما آشکار نکند؛ مگر این کسی که من دستش را گرفته و به طرف خود بالا آورده و اینک بازویش را بلند کرده ام و اعلام می‌کنم:

هر که من مولا- و صاحب اختیار او هستم؛ این علی مولا و اختیاردارِ اوست. او، علی پسر ابی طالب، برادر و وصی من است و [کسی است که] توصیه دوستی و یاری اش را خدای عزوجل بر من نازل کرده است.

ای مردم! علی و پاکان از فرزندان من، همانان ثقل(۱) کوچک تر هستند و قرآن، ثقل بزرگ تر و هریک از این دو، خبر از قرین و همتایش می‌دهد و موافق آن است؛(۲) این دو، هرگز جدا نشوند تا در کنار حوض (در بهشت) بر من وارد شوند. اینان امینِ خداوند در بین مردم و حکیمان الهی در زمین اند.

ص: ۳۳

۱- . ثَقَل: هر شیء نفیس محفوظ. و به همین معناست «انّی تارک فیکم الثَّقَلین، القرآن و عترتی». (اقرب الموارد: ثقل). توضیح بیشتر را در کتابچه حدیث الثَّقَلین ص ۴۱ توان دید.

۲- . یعنی قرآن، عترت را توصیف می‌کند و عترت، قرآن را تفسیر می‌کند.

أَلَا وَقَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَقَدْ أُدِّيتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْصَحْتُ. أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أَخِي هَذَا وَ لَا تَحِلُّ إِمْرُهُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى عَضُدِهِ فَرَفَعَهُ وَ كَانَ مُنْذُ أَوَّلِ مَا صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ [عَلَى دَرَجِهِ دُونَ مَقَامِهِ، فَبَسَطَ يَدَهُ نَحْوَ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ] شَالَ عَلَيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى صَارَتْ رِجْلُهُ مَعَ رُكْبَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، ثُمَّ قَالَ:

مَعَاشِرَ النَّاسِ هَذَا عَلِيُّ أَخِي وَ وَصِيِّ وَ وَاعِي عِلْمِي وَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَ عَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الدَّاعِي إِلَيْهِ وَ الْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَ الْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَ الْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَ النَّاهِي عَنِ مَعْصِيَتِهِ.

خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِمَامُ الْهَادِي وَ قَاتِلُ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ.

بِأَمْرِ اللَّهِ أَقُولُ [مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ] (١) بِأَمْرِ رَبِّي أَقُولُ:

ص: ٣٤

آگاه شوید که [امر الهی را] ابلاغ کردم، بدانید که ادای وظیفه کردم. هان که پیام را به سمعتان رساندم متوجه باشید که امر الهی را واضح کردم! بدانید که خدای عزوجل فرمود و من از طرف او می گویم:

هان! که امیرالمؤمنین جز همین برادر من نیست و زمامداری و امارت بر مؤمنان بعد از من، برای احدی جز او روا و جایز نیست.

از اولی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بر منبر خطابه بالا رفت، علی علیه السلام یک پله پایین تر از جایگاه آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم قرار داشت. [سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که به اینجا رسید،] با دست خود به بازوی او (علی علیه السلام) زد. او (علی علیه السلام) هم دست خود را به طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دراز کرد؛ سپس پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم [با دست پرتوان خویش] بازوی علی علیه السلام را گرفته و بلند کرد، به حدی که قدم هایش برابر زانوی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم قرار گرفت؛ (۱) آنگاه فرمود:

ای مردم! این علی، برادر و وصی و خزانه دانش من و در رهبری امت و تفسیر کتاب خدای عزوجل، جانشین من است.

این علی، مردم را به خدا می خواند و به آنچه مورد رضایت اوست، عمل می کند و با دشمنانش می ستیزد؛ یاری کننده بر طاعت خدا و بازدارنده از معصیت اوست.

جانشین رسول خدا و امیر مؤمنان و پیشوای هدایت کننده است. همو، گشاده عهدشکنان و جورپیشگان و ازدین بیرون رفتگان است.

به فرمان خدا می گویم و سخن من تغییرناپذیر است؛ زیرا به فرمان پروردگارم می گویم:

ص: ۳۵

۱- این قسمت، جزو اصلی خطابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نیست؛ در اینجا، راوی خطبه کیفیت قرار گرفتن امام علی علیه السلام و بلند کردنش را با دست رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم شرح داده است.

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ الْعَنْ مَنْ أَنْكَرَهُ وَ اغْضَبْ عَلَيَّ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنَّ الْإِمَامَةَ بَعْدِي لِعَلِيِّ وَلِيِّكَ عِنْدَ تَبْيَانِي ذَلِمَتِكَ وَ نَصْبِي إِيَّاهُ بِمَا أَكْمَلْتَ لِعِبَادِكَ مِنْ دِينِهِمْ وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِمْ نِعْمَتَكَ وَ رَضِيتَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا، فَقُلْتَ:

[أَوْ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْأَخْرَجِ مِنَ الْخَاسِرِينَ] (١)

اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا أَنِّي قَدْ بَلَّغْتُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ، فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَ بَمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مَنْ صُيِّلِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ الْعَرَضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَ فِي النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، [لَمَّا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَمَّا هُمْ يُنظَرُونَ] (٢)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلَيَّ أَنْصَرُّكُمْ لِي وَ أَحَقُّكُمْ بِي وَ أَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَ أَعَزُّكُمْ عَلَيَّ وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ

ص: ٣٦

١- . آل عمران، ٨٥.

٢- . بقره، ١٦٢.

خداوندا! هر که علی را دوست بدارد، او را دوست بدار و هر که با او عداوت ورزد، دشمن دار. لعن فرما؛ هر که علی را انکار کند و غضب فرما بر کسی که حق مسلم علی را نادیده بگیرد.

پروردگارا! بر من نازل فرمودی که امامت و پیشوایی بعد از من، مختصّ ولیّ تو علی است. در آن هنگام که این حکم را بیان و علی را [از طرف تو] به این مقام منصوب کردم؛ مقامی که به آن، دین بندگانت را کمال بخشیدی و نعمت را بر آنان تمام نمودی و خشنود شدی که اسلام دینشان باشد، پس فرمودی: «هر که غیر از اسلام دینی را برگزیند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است.»

خداوندا! تو را گواه می گیرم و شهادت تو کافی است که [امر تو را ابلاغ کرده و] به بندگانت رسانیدم.

ای مردم! خدا که عزتمند و بزرگ است، با امامت او دین شما را کمال بخشید؛ آنان که سر اطاعت در پیشگاه امامت او فرو نیاورند، و امامت فرزندانم از نسل او (نسل علی علیه السلام) را تا روز قیامت و رسیدن به پیشگاه خدا نپذیرد، اعمالشان تباه شده و در آتش جاودان بماند؛ «[چنین افرادی] نه در عذابشان تخفیف داده می شود و نه مهلتی خواهند داشت!» (۱)

ای مردم! این علی بیش از همه شما مرا نصرت و یاری داده است و سزاوارترین و نزدیک ترین شما به من است. علی از همگی شما در نزد من ارجمندتر است. من و خدای عزوجل از او راضی هستیم.

ص: ۳۷

وَمَا نَزَّلَتْ آيَةٌ رِضَىٰ إِلَّآ فِيهِ، وَمَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بِدَأْبِهِ، وَلَا نَزَّلَتْ آيَةٌ مَّدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ فِي
[أَهْلٌ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ] (١) إِلَّا لَهُ، وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ، وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هُوَ نَاصِرٌ دِينَ اللَّهِ وَالْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَهُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيِّ وَوَصِيِّكُمْ خَيْرُ وَصِيِّ
وَبَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ مَعَاشِرَ النَّاسِ ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيِّ مِنْ صُلْبِهِ وَذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسِيدِ فَلَمَّا تَحَسَّدُوهُ فَتَحَطَّيْتَ أَعْمَالَكُمْ وَتَزَلَّ أَقْدَامُكُمْ فَإِنَّ آدَمَ أُهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ
لِحَطِيئَتِهِ وَاحِدِهِ وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَكَيْفَ بِكُمْ وَ أَنْتُمْ أَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ، أَلَا إِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلَيْنَا إِلَّا شَقِيٌّ وَلَا يَتَوَالَى عَلَيْنَا
إِلَّا تَقِيٌّ، وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ.

ص: ٣٨

١- . اشاره به سوره مبارکه انسان (دهر) که هفتادوششمین سوره قرآن مجید است.

آیه ای متضمنِ خشنودی پروردگار نازل نشد؛ مگر اینکه علی در آن است و هر کجای قرآن که مؤمنان طرفِ خطابِ خدا قرار گرفته اند، نخستین مخاطبِ اوست.

آیه مدحی در قرآن فرو نیامد؛ مگر اینکه علی در آن است. گواهی ای که خدا در سوره «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» درباره رفتن به بهشت داده است، ویژه اوست و آن سوره را در شأن غیر او نازل نفرموده است و در آن، کسی جز او موردستایش قرار نگرفته است.

ای مردم! علی، یاور دین خدا و مُدافع حریم رسول خداست. او باتقوای پاک نهاد و راهنمایی راه یافته است. پیامبرتان بهترین انبیا و وصی شما، بهترین اوصیاست و پسرانش بهترین جانشینان هستند.

ای مردم! فرزندان هر پیامبری از پشتِ خودِ اوست و ذریه من از نسل علی است.

ای مردم! ابلیس آدم را به حسد از بهشت بیرون کرد؛ به او (امام علی علیه السلام) حسد نوزید که اعمالتان تباه می شود و قدم هایتان بلغزد. همانا آدم با آنکه برگزیده خدا بود، با یک خطا به زمین فرو افتاد؛ پس وضع شما چگونه خواهد بود و حال آنکه شما [انسان ها] افرادی عادی هستید که بعضی تان دشمن خدایید.

بدانید که با علی دشمنی نوزد؛ مگر بخت برگشته و به علی مهر نوزد؛ مگر پارسای خویشان دار و به او ایمان نیاورد؛ مگر مؤمن با اخلاص.

وَ فِي عَلِيٍّ وَ اللَّهِ نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ:

[بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ الْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ]

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَ بَلَّغْتُكُمْ رَسُولِي [أَوْ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ] (۱)

مَعَاشِرَ النَّاسِ [اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ] (۲)

مَعَاشِرَ النَّاسِ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ (۳) [مَنْ قَبِلَ أَنْ نَطْمِسَ وَجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا] (۴)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي مَسْلُوكِكَ ثُمَّ فِي عَلِيٍّ ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَ الْمُعَانِدِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ وَ الْخَائِنِينَ وَ الْآثِمِينَ وَ الظَّالِمِينَ وَ الْغَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

ص: ۴۰

۱- . نور، ۵۴.

۲- . آل عمران، ۱۰۲.

۳- . اقتباس از جزء آخر آیه ۱۵۷ سوره مبارکه اعراف.

۴- . نساء، ۴۷: شاید کنایه از تغییر خصایص مردمی در منکران حق و کفرپیشگان باشد.

سوره عصر در شأن علی نزول یافته است: «به نام خدای بخشایشگر مهربان. سوگند به عصر [نورانی رسول یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام] که انسان همه در زیان و کاستی است؛ مگر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و همدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه کرده اند.»

ای مردم! خدا را شاهد گرفتم و رسالتم را به شما ابلاغ کردم «و بر رسول جز رسانیدن آشکار پیام نیست.»

ای مردم! از خدای بزرگ پروا کنید؛ آن گونه که شایسته پرهیز از خداست «و مراقب باشید که جز در حال مسلمانی، جان نسپارید!»

ای مردم! به خدا و رسولش و نوری (قرآنی) که با او فرود آمد، ایمان آورید (۱)،

«پیش از آنکه صورت هایی را [به واسطه گمراهی و تباهی] محو کنیم؛ سپس به پشت سر برگردانیم.» (۲)

ای مردم! «آن نور، از سوی خدا در من نهاده شده است و بعد از من، در علی علیه السلام است؛ سپس در نسل او تا قائم مهدی (عج)؛ [او] آن [است] که (با قیام فراگیرش) حق خدا و تمام حقوق ما را باز می ستاند. همانا خدای عز و جل، بر جمیع کوتاهی کنندگان (در حق ما) و دشمنان و مخالفان و خیانت پیشگان و گناهکاران و ستمگران و غاصبان از جهانیان، ما را حجت قرار داده است.

ص: ۴۱

۱- . اقتباس از قسمت آخر آیه ۱۵۷ سوره مبارکه اعراف.

۲- . این آیه درباره جزای یهود لجباز و منکر حق است. بنا بر حدیثی از امام باقر علیه السلام منظورش محو کردن صورت های آن ها از راه هدایت و برگرداندن به عقب و قرار گرفتن در مسیر گمراهی است. نک: تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۴۷؛ به نقل از قرآن حکیم.

مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنْذَرُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ أَوْ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ [١]

أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ اللَّهُ إِسْلَامَكُمْ فَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ، وَ يُصِيبِكُمْ بَعْدَابٍ مِنْ عِنْدِهِ إِنَّهُ لِبِالْمُرْصَادِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أَيْمَةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنْصَرُونَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ وَ أَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُم.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَ أَنْصَارَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ وَ أَشْيَاعَهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ أَوْ لَيْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ [٢]

أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ (قَالَ فَذَهَبَ عَلَى النَّاسِ إِلَّا شِرْذِمَةً مِنْهُمْ أَمْرُ الصَّحِيفَةِ). [٣]

ص: ٤٢

١- برگرفته از آل عمران، ١٤٤، با اندکی تفاوت.

٢- نحل، ٢٩.

٣- این قسمت جزء خطبه رسول اکرم؟ صل؟ نیست و در واقع توضیح راوی است.

ای مردم! شما را بیم و آگاهی می دهم که من فرستادهٔ خدایم که پیش از من فرستادگان الهی بودند. اگر من بمیرم یا گشته شوم، شما به عقب برمی گردید؟! «آن که به روزگار کفر و جاهلیت برگردد، به خدا هیچ زبانی نرساند و به زودی خداوند شاگردان را پاداش می دهد!» (۱)

بدانید که علی همان کسی است که به صبر و شکر وصف شده است و بعد از او فرزندانم که از پشت اویند، چنین هستند.

ای مردم! به واسطهٔ قبول اسلام بر خدا منت نهید که بر شما خشم گیرد و به عذابش دچار شوید؛ که همانا او مراقب رفتارتان هست.

ای مردم! به زودی پس از من پیشوایانی پیدا شوند که شما را فرا خوانند و روز رستاخیز یاری نشوند. ای مردم! یقیناً خداوند و من از آنان نفرت داشته و بیزاریم.

ای مردم! این پیشوایان و یاران و پیروان و تابعانشان در پست ترین طبقات دوزخ اند «و چه بد جایگاهی برای متکبران است.»

بهوش باشید! اینان اصحاب صحیفه اند؛ (۲) باید فرد فرد شما در کارنامهٔ عمل خود بنگرد

[راوی گفت: موضوع صحیفه را مردم در نیافتند؛ مگر عدهٔ اندکی که به یاد داشتند]

ص: ۴۳

۱- برگرفته از آل عمران، ۱۴۴، با اندکی تفاوت.

۲- اصحاب صحیفه: گروهی از ملاً و اعیان صحابه اند که قراردادی تنظیم کردند و هم پیمان شدند که اعلام کنند پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بعد از خود جانشین تعیین نکرده است و حضرت علی علیه السلام، خلیفهٔ بعد از ایشان نیست. سعید بن العاص الأموی این صحیفه را نوشت و به امانت نزد ابو عبیده سپردند. (تلخیص از سفینهٔ بحار الأنوار: ص ۱۹۶). اینان ظاهراً همان ۱۲ تن از منافقان هستند که در بازگشت از غزوهٔ تبوک، قصد جان رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را کردند؛ ولی پیک الهی پیامبر را از تبت سوء آن ها باخبر و توطئه شان را خنثی کرد. نک: بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۱۹۶.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي أَدْعُهُمْ إِلَى إِمَامَةٍ وَوَرَاثَةٍ فِي عَقِبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَقَدْ بَلَغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وُلِدَ أَوْ لَمْ يُولَدْ فَلْيَبْلِغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ، وَالْوَالِدُ الْوَالِدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَتَجْعَلُونَهَا مُلْكًا وَاغْتِصَابًا.

أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ وَالْمُعْتَصِبِينَ، وَعِنْدَهَا [سَنَفُرُغُ لَكُمْ أَيُّهُ الثَّقَلَانِ] (١)

وَ (يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ) (٢)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَكُنْ يَذَرُكُمْ «عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ» (٣)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَوْمٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا وَكَذَلِكَ يُهْلِكُ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى (٤)

وَهَذَا عَلَيَّ إِمَامُكُمْ وَوَلِيِّكُمْ وَهُوَ مَوَاعِيدُ اللَّهِ وَاللَّهُ يُصَدِّقُ مَا وَعَدَهُ [Z١].

ص: ٤٤

١- الرحمن، ٣١.

٢- الرحمن، ٣٥.

٣- اقتباس از آل عمران، ١٧٩.

٤- اشاره به آیاتی مانند: انعام، ١٣١ و هود، ١١٧.

ای مردم! من خلافت را به صورت امامت و ارث بردن در فرزندانم، تا روز قیامت، به جا می گذارم؛ همانا که آنچه مأمور به تبلیغ آن بودم، رسانیدم تا بر هر حاضر و غایب و هر که شاهد و حاضر است یا نیست و زاده شده یا هنوز به دنیا نیامده است، حجت و دلیل تمام باشد. پس بایسته و لازم است هر که حاضر است، پیام را به غایبان برساند؛ همچنین تا روز رستاخیز، هر پدری باید [این پیام را] به فرزندش ابلاغ کند. به زودی این مقام خلافت را غصب کرده و به پادشاهی تبدیل خواهند کرد.

هان! لعنت خدا بر غضب کنندگان و تعدی کنندگان باد. در این هنگام «ای گروه انس و جن! به زودی به حساب کار شما خواهیم پرداخت» و شعله هایی از آتش بی دود و دودهای متراکم بر شما فرستاده می شود و نمی توانید از کسی یاری بطلبید.»

ای مردم! «خدای عزّ و جل شما را به حال خود رها نمی کند؛ مگر آنکه ناپاک را از پاک جدا سازد و چنین نیست که خداوند شما را از غیب با خبر کند.»^(۱)

ای مردم! خدا اهل هیچ قریه ای را هلاک نکرد؛ مگر به سبب اینکه آیات الهی را تکذیب و انکار کردند و این سنت جاری خداوندی است که هر جمعیت ظالمی را نابود می کند. همچنان که خداوند در کتابش فرموده است.^(۲)

این علی، امام و صاحب اختیار شماست و او وعده های الهی است و خداوند آنچه را وعده کرده است، راست می گرداند.

ص: ۴۵

۱- . اقتباس از آل عمران، ۱۷۹.

۲- . اشاره به آیاتی مانند: انعام، ۱۳۱ و هود، ۱۱۷.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَ اللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ وَ هُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ. ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ وَيُلْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (١))

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَ نَهَانِي وَ قَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَ نَهَيْتُهُ، فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَ النَّهْيَ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَاسْتَجْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلِمُوا، وَ أَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَ انْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَزْشُدُوا، وَ صَيِّرُوا إِلَى مُرَادِهِ، وَ لَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعِيدِي ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةٌ يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ.

(ثُمَّ قَرَأَ سُورَةَ الْحَمِيدِ)، وَ قَالَ فِيَّ نَزَلَتْ وَ فِيهِمْ نَزَلَتْ، وَ لَهُمْ عَمَّتْ، وَ إِيَّاهُمْ خُصَّتْ، أَوْلِيَاكَ (أَوْلِيَاءُ اللَّهِ لَمَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (٢) أَلْمَا) إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (٣) أَلْمَا إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيٍّ هُمُ أَهْلُ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَ الْحَادُونَ وَ هُمُ الْعَادُونَ وَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ الَّذِينَ) يُوحى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا (٤)

ص: ٤٦

١- .مرسلات، ١٩٦٦ تا ١٩٦٦.

٢- .يونس، ٦٢.

٣- .مائده، ٥٦.

٤- .انعام، ١١٢.

ای مردم! قبل از شما بیشتر پیشینیان گمراه شدند و خداوند گذشتگان را تباه ساخت و همان خدا هلاک کننده آیندگان [گمراه] است.

[Z1] ترجمه؟

خدای تعالی فرمود: «آیا ما اقوام [مجرم] نخستین را هلاک نکردیم؟ سپس دیگران (دیگر مجرمان) را به دنبال آن ها می فرستیم. [آری] این گونه با مجرمان رفتار می کنیم. وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!»

ای مردم! خداوند به من [واجبات را] امر و [از محرمات] نهی فرمود و من نیز [آن ها را] به علی امر و نهی کردم؛ بدین ترتیب، علی به امر و نهی پروردگارش دانا شد. اینک فرمانش را بشنوید تا در امان باشید و اطاعتش کنید تا هدایت یابید. نهی او را بپذیرید تا راه راست را باز یابید. به سمت مراد و مقصود او جهت گیرید تا دیگرراه ها شما را از راهش منحرف نکند.

ای مردم! من آن صراط مستقیم خدایم که امر کرده است از آن پیروی کنید. بعد از من، علی چنین است؛ سپس فرزندانم از نسل او؛ همان پیشوایانی که به سوی حق هدایت می کنند و بحق داوری می کنند. آنگاه [حضرت صلی الله علیه و آله وسلم] سوره حمد را قرائت کرد و گفت:

این سوره در شأن من و این امامان نازل شده است و آنان را در بر می گیرد و ویژه ایشان است.

اینان «اولیای خدایند که هیچ بیمی بر آنان نیست و نه اندوهگین شوند.» هان که «حزب خدا همان رستگاران و چیره شوندگان هستند!»

بدانید که دشمنان علی، همان تفرقه افکنان و منافقان و ستیزه جویان هستند و همانان دشمنان حق و برادران شیطان اند که «بعضی از آنان، سخنان ظاهر آراسته فریبا را به بعضی دیگر القا می کنند.»

ص: ۴۷

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ هُمُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (١)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ:

(الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ) (٢)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ آمِنِينَ وَتَتَلَفَأُهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالسَّلِيمِ أَنْ طَبَّتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ. (٣)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ. (٤)

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ يَصْلَوْنَ سَعِيرًا.

ص: ٤٨

١- . مجادلہ، ٢٢.

٢- . انعام، ٨٢.

٣- . تضمنين بخشى از آيه ٧٣ سورة مباركه زمر.

٤- . اقتباس از آيه ٤٠ سورة مباركه غافر.

بدانید که دوستان علی و فرزندان او، آن دسته مؤمنانی هستند که خداوند در قرآن آنان را یاد کرده و درباره شان فرموده است: «هرگز مردمی که ایمان به خداوند و روز رستاخیز آورده اند، چنین نخواهی یافت که با دشمنان خدا و رسول دوستی کنند؛ هرچند آن دشمنان، پدران یا فرزندان و برادران و خویشان آن ها باشند. آنان کسانی هستند که خدا بر دل هاشان نور ایمان نگاشته و با روحی از

خودش، آن ها را تأیید کرده و [در قیامت] به بهشتی داخل کند که نه‌های [مصفاً] زیر درختانش جاری است و جاودان در آن مُتَنَعِم اند. خدا از آن ها خشنود و آنان نیز از خدا خشنودند. آن ها [به حقیقت] حزب خدایند؛ بدانید که حزب خدا رستگاران هستند.»

متوجه باشید که دوستان آنان کسانی هستند که خداوند در قرآن این گونه توصیفشان کرده است:

«آنان که به خدا ایمان آورده و ایمان خود را به شرک و ستم نیالودند، ایمنی آن ها راست و آن ها هدایت یافتگان هستند.» بدانید دوستانشان کسانی هستند که با امن و آرامش در بهشت وارد می شوند «و ملائکه در پیشوازشان سلام کرده و می گویند: 'خوشا به حال شما، برای همیشه در بهشت جای می گزینید.» (۱)

بدانید همانا دوستان آنان کسانی هستند که خداوند عزّ و جل در وصفشان می فرماید: «بدون حساب به بهشت داخل می شوند.» (۲)

بدانید که به راستی دشمنانشان در آتش افروخته دوزخ وارد می شوند.

ص: ۴۹

۱- . تضمین بخشی از آیه ۷۳ سوره مبارکه زمر.

۲- . اقتباس از آیه ۴۰ سوره مبارکه غافر.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَجَّتِهِمْ شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ وَلَهَا زَفِيرٌ (١)

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: (كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّهُ لَعَنَتْ أُخْتَهَا) (٢)

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «كُلَّمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتُهُمْ حَزَنَتَهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ، وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ فَاعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ فَسِيحِقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ» (٣)

لَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (٤)

مَعَاشِرَ النَّاسِ شَتَانًا مَا بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالسَّعِيرِ فَعَدُّونَا مَنْ ذَمَّهُ اللَّهُ وَلَعَنَهُ، وَوَلَّيْنَا مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَأَحَبَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي مُنذِرٌ وَعَلِيٌّ هَادٍ.

ص: ٥٠

١- . اقتباس از آیه ٧ سوره مبارکه مُلک.

٢- . اعراف، ٣٨.

٣- . مُلک، ١١ تا ٨.

٤- . مُلک، ٨ تا ١١ .

بدانید دشمنان ایشان آن‌ها هستند که از جهنم صدایی هولناک و زشت شنوند؛ درحالی که آتش قوران می‌کند و ناله‌ای زار دارد. (۱)

بدانید دشمنان آنان کسانی هستند که خدا درباره‌شان فرموده است: «هنگام ورود به جهنم، هر گروهی همتای خود را لعنت و نفرین می‌کند.»

بدانید دشمنان این خانواده آن‌ها هستند که خداوند فرموده است: «هر گروهی را که به آتش در افکنند، عذاب سازان و نگهبانان دوزخ از ایشان پرسند: آیا برای شما ترساننده و آگاه‌کننده نیامد؟ گویند: آری، بیم‌دهنده‌ای آمد؛ اما او را دروغ گو پنداشتیم و گفتیم: خدا چیزی نفرستاده، جز این نیست که شما سخت در گمراهی هستید. [اهل دوزخ با تأسف] گویند: اگر ما سخن پیامبران را شنیده یا به دستور عقل رفتار می‌کردیم، امروز از دوزخیان نبودیم! آنگاه به گناهشان اعتراف کنند [که سودی ندارد و خطاب قهر رسد] که اهل آتش را [از رحمت حق] دوری باد.»

بهوش باشید! دوستان این خانواده، «آن‌ها هستند که از پروردگارشان در پنهان می‌ترسند [و در باطن، خداترس‌اند؛ نه با نفاق و در ظاهر]. برای آن‌ها آمرزش و پاداشی بزرگ [و بهشت ابد] خواهد بود.»

ای مردم! چه بسیار فرق است بین بهشت و دوزخ [سوزان عذاب‌دهنده]. دشمن ما کسی است که خداوند او را نکوهش و لعنت کرده است و دوست ما کسی است که پروردگار، او را ستوده است و دوست می‌دارد.

ای مردم! بدانید من بیم‌دهنده‌ام و علی، هادی و رهنماست. (۲)

ص: ۵۱

۱- . مُلْكٌ، ۷.

۲- . در قرآن کریم (رعد، ۷ آمده است): (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ).

أَمْعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيُّ وَ عَلِيٌّ وَصِيِّي، أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ.

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ، أَلَا إِنَّهُ الْمُتَّقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَ هَادِمُهَا، أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرُوكِ، أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ كُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ، أَلَا إِنَّهُ العَرَّافُ فِي بَحْرِ عَمِيقٍ. أَلَا إِنَّهُ لَيْسَمُ كُلِّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلِّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.

أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَ مُخْتَارُهُ أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِهِ. أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمُبَيِّنُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ، أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ.

أَلَا إِنَّهُ الْمَفْوُضُ إِلَيْهِ أَلَا إِنَّهُ قَدْ بُشِّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ. أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ أَلَا وَ إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ حُكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ.

ای مردم! من، پیامبر و علی، وصی و جانشین من است. بدانید که آخرین امام از ماست که همو قیام کننده و مهدی (هدایت شده) است.

هان! او بر همه ادیان پیروز و انتقام گیرنده از ستمگران است.

آگاه باشید او فاتح دژها و درهم کوبنده آن هاست. آگاه باشید اوست که همه گروه های اهل شرک را می کشد و آگاه باشید هموست که برای همه اولیای خدا خونخواهی می کند.

آگاه باشید که اوست نصرت بخش دین خدا. آگاه باشید اوست که از دریای ژرف [علوم نبوی] فراوان می نوشد. هان! اوست که نشان فضل هر فاضلی و جهل هر جاهلی را بر روی می نهد. (۱)

آگاه باشید او بهترین آفریده خدا و برگزیده اوست. بدانید او همه علوم را به ارث برده و بر آن ها احاطه دارد.

هان که او خبردهنده از پروردگارش و آگاهی بخش به ایمانش است!

هان! اوست راه یافته ای استوار که [از سوی خدا، امر خلاق] به او واگذار شده است.

بدانید او کسی است که پیشینیان، همه به آمدنش بشارت داده اند. بدانید او جاودانه حجتی است که بعد از او حجتی نیست؛ چنان که حقی نیست؛ جز با او و نوری نیست؛ جز نزد او.

آگاه باشید که هیچ کس بر او غالب نشود و کسی که بر ضد اوست، یاری نشود. آگاه باشید که او ولی خدا در زمین و فرمان خدا در خلق و امین او در امور پنهانی و آشکارست.

ص: ۵۳

۱- میزان دانش هر فرد را معین کرده و او را در مقامی قرار می دهد که شایسته آن است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ وَهَذَا عَلَيَّ يُفْهِمُكُمْ بَعْدِي أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ
وَالإِقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي. أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَعَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي، وَ أَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. «فَمَنْ نَكَثَ
فَأِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ».(١)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ (فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا)(٢)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حِجُّوا الْبَيْتَ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِلَّا اسْتَعْنُوا وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا افْتَقَرُوا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتُونِفَ عَمَلُهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ الْحُجَّاجُ مُعَاوَنُونَ وَنَفَقَاتُهُمْ مُخَلَّفَةٌ وَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ حِجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى وَ لَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبِهِ وَ إِقْلَاعِ.

ص: ٥٤

١- .فتح، ١٠.

٢- .بقره، ١٥٨.

ای مردم! من گفتنی‌ها را برایتان روشن گفته و به شما فهماندم و این علی، عهده‌دارِ فهماندن آن‌ها بعد از من است.

هان! شما را دعوت می‌کنم که بعد از تمام شدن خطبه‌ام، بر پیمان با علی و اقرار به [ولایت و امامت] او، با من دست دهید؛ سپس بر همین پیمان دست او را بفشارید.

هان! به تحقیق که من با خدا بیعت کردم و علی با من بیعت کرده است و من از طرفِ خدای عزّ و جل برای علی از شما بیعت می‌گیرم «و هر که پیمان شکنی کند؛ همانا ضررش متوجّه خود اوست.»

ای مردم! حج و عمره از شعائر و نشانه‌های دین خداست؛ «پس هر که حج خانه کعبه یا اعمال مخصوصِ عمره را به جا آورد، باکی بر او نیست که بر آن دو (صفا و مروه) طواف کند.»

ای مردم! آهنگِ خانه خدا کنید که اهل هیچ خانواده‌ای در آن وارد نشد؛ مگر آنکه بی‌نیاز شد و خانواده‌ای از آن روی بر نتافت؛ مگر اینکه فقیر شد.

ای مردم! هیچ مؤمنی در موقف نمی‌ایستد؛ مگر اینکه خداوند جمیع گناهان او را تا آن زمان می‌آمرزد و پس از اختتام و پایانِ حج، پرونده اعمال نو و تازه‌ای برای او گشوده می‌شود.

ای مردم! حج گزاران، از طرف خداوند یاری می‌شوند و هزینه‌هایشان در این راه جبران می‌شود و خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

ای مردم! حج را با دین کامل و تَفَقُّه و بصیرت به جا آورید و از مَشَاهِد و مراسم، بدون توبه و کنده شدن از معاصی مراجعت نکنید.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ * كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، لِيُنَّ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَقَصْرْتُمْ أَوْ نَسِيتُمْ فَعَلَيَّْ وَلِيَّكُمْ وَ مُبَيَّنُّ لَكُمْ الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَعْدِي.

ای مردم! نماز بر پای دارید و زکات و حق مسلم مالی خود را بپردازید؛ همان گونه که خدا به شما فرمان داده است و اگر بر اثر گذشت زمان [از انجام دادن تکالیف شرعی] کوتاهی کردید یا [حکمش را] فراموش کردید؛ پس علی، ولی شما و روشن کننده [احکام] برای شماست. [این علی] همان [است] که خداوند او را بعد از من نصب فرموده است.

وَمَنْ خَلَفَهُ اللَّهُ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ يُخْبِرُكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَ يُبَيِّنُ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيَ بِهِمَا وَ أَعْرَفَهُمَا فَأَمَرَ بِالْحَلَالِ وَ أَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ فَأَمَرْتُ أَنْ آخُذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَثَمَةَ مِنَ بَعِيدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ أَيْمَةٌ قَائِمَةٌ مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي يَقْضِي بِالْحَقِّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، كُلُّ حَلَالٍ دَلَّلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَ كُلُّ أَوْ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ، فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ أُبَدِّلْ.

أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَ احْفَظُوهُ وَ تَوَاصَوْا بِهِ، وَ لَا تُبَدِّلُوهُ وَ لَا تُغَيِّرُوهُ.

و [خداوند او را] جانشین من قرار داده است و من هم از اویم. علی پرسش های شما را پاسخ می گوید و آنچه نمی دانید برای شما بیان می کند.

بدانید حلال و حرام خدا بیش از آن است که بتوانم همه آن ها را شماره کرده و معرفی کنم و در یک مجلس، به همه حلال ها امر و از همه حرام ها نهی کنم؛ بنابراین مأموریت یافتم تا درباره قبول آنچه از طرف خدای عزّ و جل آورده ام، از شما پیمان بگیرم و دست تعهد دهیم و آن درباره علی امیر مؤمنان و امامان بعد از اوست؛ آنان که هم از من و هم از او هستند؛ اینان امامانی قیام کننده به حق هستند و مهدی از آنان است تا روز قیامت که به حق حکم می کند.

ای مردم! شما را به همه کارهای روا و حلال دلالت کردم و از همه کارهای حرام بازداشتتم. من هرگز از این امر و نهی ام بر نمی گردم و سخنانم را تغییر و تبدیل نمی دهم.

هان! که این مطلب را همواره به یاد آورید و به خاطر سپارید و یکدیگر را بر آن سفارش کنید؛ سخنم را عوض نکنید و دگرگون نسازید.

أَلَا وَإِنِّي أَجِدُّ الْقَوْلَ، أَلَا فَاقْبِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ وَتَنْهَوْهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنِّي وَلَا أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا نَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْقُرْآنَ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وُؤَلَدُهُ وَعَرَّفْتُكُمْ أَنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ:

(وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ (١)، وَقُلْتُ: «لَنْ تَضِلُّوا مَا إِن تَمَسَّكُمْ بِهِمَا».

مَعَاشِرَ النَّاسِ التَّقْوَى، التَّقْوَى وَاحْتِرَاقِ السَّاعَةِ، كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ) (٢)

أَذْكُرُوا الْمَمَاتَ وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمُحَاسِبَةَ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالثَّوَابَ وَالْعِقَابَ. فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أَثِيبُ عَلَيْهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنْتُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفٍّ وَاحِدَةٍ

ص: ٥٨

١- . زخرف، ٢٨.

٢- . حج، ١.

توجه کنید! گفتارم را دیگر باره تکرار می کنم:

هان! نماز به پا دارید و زکات را [که حق بینوایان است] ادا کنید. به نیکی امر کنید و از بدی باز دارید؛ اما بدانید اصل و اساس امر به معروف و نهی از منکر، این است که به گفتار امروز تا آخر کار پابرجا بمانید و به کسانی که حاضر نبودند [این پیام را] برسانید و دیگران را به قبول آن امر کنید و از مخالفت و سرپیچی از آن نهی کنید که همانا این امری است از طرف خدای عزّ و جل و از من. امر به معروف و نهی از منکر، جز با قبول امام معصوم تحقق نمی یابد.

ای مردم! قرآن پیشوایان بعد از علی را که فرزندان اویند، به شما معرفی می کند و من هم به شما شناساندم که آن ها از [نسل] من و علی هستند. آنجا در کتابش می گوید: «توحید را کلمه ماندگاری در فرزندانش قرار داد» و من هم [برای معرفی آن ها] گفتم: «اگر به قرآن و عترتم چنگ زنید، هرگز گمراه نشوید.»

ای مردم! تقوی، تقوی! (خویشتن دار باشید) از لحظه آمدن رستاخیز بترسید! آن چنان که خدای عزّ و جل فرموده است: «همانا زمین لرزه قیامت، حادثه بزرگ و سختی است.» مرگ و حساب و برپاشدن میزان ها و حسابرسی اعمال در پیشگاه پروردگار جهانیان و پاداش و کیفر را به یاد آورید. هر که کردار نیکو بیاورد، پاداش می بیند و آن که رفتارش ناپسند باشد، او را از سرای مینو بهره ای نیست.

ای مردم! شما بیشتر از آن هستید که بتوانید همه تک تک با من بعیت کنید.

وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَخُذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيِّ مِنْ إِمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَ مِنْهُ عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ إِنَّا سَيِّدَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ لِمَا بَلَّغَتْ عَنْ رَبِّنَا وَ رَبِّكَ فِي أَمْرِ عَلِيٍّ وَ أَمْرٍ وَوَلَدِهِ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ تَبَايَعَكَ عَلِيٌّ ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ أَيْدِينَا

عَلَى ذَلِكِ نَحْيِي وَ نَمُوتُ وَ نُبْعَثُ وَ لَا نُغَيَّرُ وَ لَا نُبَدَّلُ وَ لَا نُنْشَكُّ وَ لَا نَزْتَابُ وَ لَا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَ لَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ وَ نُطِيعُ اللَّهَ وَ نُطِيعُكَ وَ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ وُلْدَهُ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صُلْبِهِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ قَدْ عَرَفْتُمْ مَكَانَهُمَا مِنِّي وَ مَحَلَّهُمَا عِنْدِي وَ مَنَزَلْتَهُمَا مِنْ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ، فَقَدْ أَدَيْتُ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ، وَ أَنْهَمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ أَنْهَمَا الْإِمَامَانِ بَعْدَ أَبِيهِمَا عَلِيٍّ وَ أَنَا أَبُوهُمَا قَبْلَهُ.

وَ قُولُوا أَطَعْنَا اللَّهَ بِذَلِكَ وَ إِيَّاكَ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ عَهْدًا وَ مِيثَاقًا مَأْخُوذًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ مُصَافَقِهِ أَيْدِينَا،

خدای عزّ و جلّ به من فرمان داد که از شما اقرار زبانی بگیرم دربارهٔ پیمانی که با شما بستم دربارهٔ امیرمؤمنان بودن علی علیه السلام و امامانی که بعد از او می آیند و از من و اویند و همان طور که به شما اعلام کردم: فرزندان من از نسل او خواهند بود.

پس همگی یک صدا شده و بگویند: «شنیدیم، فرمانبرداریم، خوشنودیم و گردن نهادیم بر آنچه از پروردگارت دربارهٔ علی و امیری و فرمانروایی فرزندان از پشت او که امامان آینده اند، به ما ابلاغ کردی؛ با دل ها و جان ها و زبان ها و دست هایمان، بر این مهم، با تو بیعت می کنیم.

برای این [پیمان] زندگی می کنیم و می میریم و برانگیخته می شویم. هیچ تغییری و تبدیلی در این مهم نخواهیم داد، هیچ دودلی و تردیدی نخواهیم داشت، از عهدمان برنخواهیم گشت و پیمانمان را نخواهیم شکست. خدای را فرمانبرداریم و تو و علی علیهما السلام را که امیر مؤمنان است و فرزندان او را که امام هستند نیز طاعت پذیریم. همان امامانی که گفتی فرزندان تو از پشت او بعد از حسن و حسین علیهما السلام هستند.» آن، دو گران قدری که پایگاه و رتبه شان را نزد خودم و منزلتشان را در پیشگاه پروردگارم به شما شناساندم. همانا این مطالب را به شما رساندم، به درستی که آن دو، سرور و برتر جوانان بهشتی اند و هر دو آن ها بعد از پدرشان علی، امام هستند و پیش از علی، من پدر آن دو هستم.

باز بگویند: «در این امر اطاعت می کنیم خدا و تو را و علی و حسن و حسین علیهم السلام و ائمه ای را که تو یادآور شدی؛ تا عهد و پیمانی گرفته شده برای امیرمؤمنین از دل و جان و زبان ما باشد که با دست بیعت تأیید شده است.

مَنْ أَدْرَكَهُمَا يَدَيْهِ وَ أَقْرَبَهُمَا بِلِسَانِهِ، وَ لَا نَبْتَعِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَ لَا نَرَى مِنْ أَنْفُسِنَا عَنْهُ حَوْلًا أَبَدًا.

أَشْهَدْنَا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَ أَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ، وَ كُلُّ مَنْ أَطَاعَ مِمَّنْ ظَهَرَ أَوْ سَتَرَ وَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ وَ جُنُودُهُ وَ عِبِيدُهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَهِيدٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ مِمَّا تَقُولُونَ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَ خَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ، فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا (١) وَ مَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، (يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ) (٢)

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ بَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ كَلِمَةَ طَيْبَةً بَاقِيَةً يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَ يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ وَفَى (فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا) (٣) مَعَاشِرَ النَّاسِ قُولُوا الَّذِي قُلْتُمْ لَكُمْ، وَ سَلِّمُوا عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قُولُوا

ص: ٦٢

١- . زمر، ٤١.

٢- . فتح، ١٠.

٣- . فتح، ١٠.

هر که آن دو را درک کند، دست بیعت می دهد و به زیان اقرار می کند و به جای آن، چیزی دیگر بر نمی گزینیم و به خود نمی بینیم که هیچ گاه از پیمانمان برگردیم.

خدا را بر این پیمان گواه می گیریم و خدا برای گواه بودن کفایت می کند. و [ای پیامبر!] در این پیمان تو نیز بر ما گواه هستی. هر آن که اطاعت خدا کند، آشکار باشد یا پنهان و فرشتگان خدا و لشکریان و بندگانش [همه را به گواهی می طلبیم] و خدای تعالی از هر گواه و ناظری برتر است.»

ای مردم! آنچه می گوئید [باتوجه و مراقبت باشد که] همانا خدا می داند هر صدا را و [نیز] آنچه در دل پنهان دارید. «هر که هدایت شود، به سود خود اوست و هر که گمراه شود، یقیناً به زیان خودش تمام شود.» کسی که بیعت کند، درحقیقت با خدا بیعت کرده است و «دست خدا، زبر دست هایشان است.»

ای مردم! از [خشم] خدا بپرهیزید و با علی امیر مؤمنان و حسن و حسین و امامان [بعد از ایشان] بیعت کنید که کلمه پاک پایدار الهی اند. خدا هر که را خیانت کرده و پیمان شکنند، هلاک می کند و کسی را که به پیمانش وفا کند، مشمول رحمتش می کند؛ «پس هر که پیمان شکنند، بدنامی و زیان آن به خودش می رسد و آن که وفا کند به عهدی که با خدا بسته است، به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد.»

ای مردم! هر آنچه به شما گفتم، بگوئید و بر علی علیه السلام به عنوان امیرالمؤمنین سلام دهید و بگوئید:

(سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ) (١) وَقُولُوا (أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَ نُودُوا أَنْ تَتَّكُمُ الْجَنَّةُ أَوْ رِثْمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ) (٢)

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيَ بِهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَ عَرَّفَهَا فَصَدَّقُوهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مَوَالَاتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ، أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا... فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ اغْضِبْ عَلَى الْكَافِرِينَ.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. [Z1]

ص: ٦٤

١- . بقره، ٢٨٥.

٢- . اعراف، ٤٣.

«شنیدیم و فرمانبرداریم. پروردگارا! آمرزش تو را خواهانیم؛ بازگشت همه به سوی توست.» و بگویید: «ستایش و سپاس خدایی را سزااست که ما را به این (نعمت امامت و ولایت علی علیه السلام) هدایت فرمود و اگر راهنمایی خدا نبود، ما [به این نعمت] هدایت نمی شدیم. مسلماً فرستادگان پروردگار ما، حق را آوردند و [در این هنگام،] به آنان ندا داده می شود: 'این بهشت را در برابر اعمالی که انجام می دادید، به ارث بردید!'

ای مردم! به راستی فضایل و شایستگی های علی بن ابی طالب علیه السلام نزد خدای عزّ و جل که در قرآن فرو فرستاده بیش از آن است که [در یک مجلس] برشمارم؛ پس کسی که آن فضایل را برای شما برشمرده و بشناساند، او را تصدیق کنید.

ای مردم! هر که خدا و رسولش صلی الله علیه و آله وسلم و علی علیه السلام و امامانی را اطاعت کند که یادآوری کردم؛ یقیناً به رستگاری بزرگی نائل شده است.

ای مردم! سبقت گیرندگان در بیعت و دوستی و یاری علی علیه السلام و سلام کردن (سلام کنندگان) بر او به عنوان «امیر مؤمنان»، ایشان رستگاران پیروزمند هستند که در باغ های پر نعمت بهشتی جای دارند.

ای مردم! آنچه خدا به گفتن آن از شما خشنود می شود، به زبان آورید.

اگر شما و همه کسانی که در زمین هستند، کافر شوید؛ هرگز زبانی به خدا نمی رسد.

بارالها! مؤمنان را ببخش و پیامرز و بر کافران [که حقایق را پوشیده می دارند]، خشم گیر.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پیام غدیر

اینک که به آخر خطبه رسیدیم و می خواهیم از صحنه غدیر بیرون رویم، جای این پرسش هست که از استماع آن سخنرانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ما را چه عاید شد؟ آیا موضوع معرفی فردی شایسته از خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است فقط برای اینکه آن فرد را دوست داشته باشیم؟! یا نه؛ انتصاب مسلمانی است کامل و زبان و شایسته که پروردگار دانا او را ادامه دهنده راه رسولش دانسته است و بیان کننده اصول و فروع دین و اجراکننده احکام قرآن؟

پیام خطبه غدیر این است: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم که دینش خاتم ادیان است، باید به امر خدای تعالی، یکی از تربیت یافتگان را برای ادامه رسالتش تعیین کند و اگر این کار را نکند، چنان است که ۲۳ سال زحماتش را به دست حوادث نامعلوم تاریخ سپرده است؛ زیرا هنوز تعصب های جاهلیت موجود بود و خلق و خوی عصر شرک در بسیاری از افراد مُسن ریشه کن نشده بود؛ چنان که آثارش پس از رحلت آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم آشکار شد و دیدیم که بنی امیه بیشترین ستم را بر عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روا داشتند و فجایعی ننگین در خانه خدا به بار آوردند.

خطبه غدیر می گوید: در جامعه اسلامی که حق حاکمیت با احکام خداست، باید فقهی متخصص در اصول و فروع دین و اسلام شناسی آگاه به زمان و جریانات سیاسی در رأس هرم حکومت قرار گیرد. او باید شخصی پارسا و دور از هوی و دل آگاه و بصیر باشد تا بتواند با یاری و مشورت با متخصصان سیاسی و اهل فن، مدیریت کلی جامعه را در دست داشته باشد و راهبر و هدایتگر شود؛ همچنین باید تاجایی که امکان دارد،

بر اجرای عدالت علوی پای فشارد و عزّت و استقلال مسلمانان و حفظ ثغور (مرزهای) کشور اسلامی را در نظر داشته باشد... .

این کلیاتی است که از خطابه غدیر استنباط می شود و پیش از آن، قرآن با آیاتی مانند: (وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ(۱))؛ (و آنان که به احکامی که خدا نازل کرده است، حکم نمی کنند، کافرند).

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این احکام را به ما آموخته اند و در سیره و سنت ایشان نیز اجرا شده است.

شاید پرسیده شود: «چرا اهل سنت چنین عمل نمی کنند و اصولاً بینش حکومتی آن ها چیست؟»

مطمئن ترین جواب که دور از پیش داوری یا تعصب باشد، آن است که به نقل قول علمای آنان پردازیم؛ پس مرور می کنیم:

حافظی بزرگ و محدثی معروف به نام 'محمی الدین یحیی نووی شافعی(۲)

در شرحش بر صحیح مسلم می نویسد: «همه اهل سنت از فقها و محدثین و متکلمین بر این عقیده اند که خلیفه و حاکم به خاطر فسق و ظلم و تعطیل احکام خدا، عزل و خلع نمی شود و خروج و قیام علیه او جایز نیست؛ فقط باید او را پند داد.»(۳)

'مستملی بخارائی که دانشمندی است صوفی مسلک، پیش از او،

ص: ۶۷

۱- . مائده، ۴۴: آیات ۴۵ و ۴۷ این سوره نیز با تفاوت کلمه آخر آیه (الکافرون و الفاسقون)، همانند همین آیه است.

۲- . وفات: ۶۷۶.

۳- . المنهاج، حاشیه ارشاد الساوی شرح صحیح بخاری، ج ۸، ص ۳۶، به نقل از: حماسه غدیر، ص ۵۶.

با بسط و شرح بیشتر در همین باره می نویسد: «نزدیک معتزله (۱)، چون امامت جز در اولاد علی علیه السلام نباید که باشد؛ غیر ایشان، خود سلطان نباشد و بر وی خروج کردن فریضه باشد و کشتن او حلال باشد و باز نزدیک اهل سنت و جماعت، سلطان جائز، همچنان سلطان باشد که سلطان عادل و نشاید بر او خروج کردن و طاعت داشتن او را در

آنچه طاعت خدای عزّ و جل در اوست و آنچه در او معصیت است، طاعت نشاید داشتن؛ لیکن باین همه، سلطان نباید دانستن و از پس او نماز باید کردن!...» (۲).

برای زدودن تردید و شگفتی از این عقاید، شما خوانندگان عزیز را به کتاب گران سنگ الغدیر (۳)

ارجاع می دهیم تا ملاحظه کنید که متکلمان (علمای عقاید) و دانشمندان بزرگ اهل سنت مانند: باقلانی در التمهید، (۴) تفتازانی در شرح مقاصد، (۵)

قاضی ایجی در مواقف و دیگران نیز، همه نظیر چنین عقایدی را ابراز داشته اند و آراء سیاسی و موضع گیری آن ها در برابر حاکمان ستمگر اموی و عباسی و بعد از آنان، همه بر همین اساس مبتنی بوده است. این در تاریخ مسلمانان، واقعیتی است روشن و تأسف آور.

شیعه به برکت خطبه غزای غدیر خم و احادیث معصومان علیهم السلام از عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، نه تنها سلطان و حاکم، بلکه حتی عالمی را هم که دنیا دوست و مقام پرست باشد، از نظر شرعی قابل اعتماد نمی داند؛ چراکه

ص: ۶۸

۱- مقصودش شیعه است. در قدیم بعضی نویسندگان به خطا، شیعه را چون در حُسن و قبح عقلی با معتزله مشترک هستند، به نام معتزله خوانده اند.

۲- شرح التعرّف لمذهب التصوف، چاپ لکنهو، ج ۲، ص ۳۰.

۳- الغدیر، ج ۷، ص ۱۳۶ تا ۱۴۵.

۴- التمهید، ص ۱۸۵ و ۱۸۶.

۵- شرح مقاصد، ص ۲۷۲.

در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند: «فقیهان، امانت دار پیامبران هستند؛ تازمانی که در دنیا وارد نشده باشند.» گفته شد: «ای رسول خدا! مقصود از داخل شدن آن ها در دنیا چیست؟» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پاسخ فرمودند: «پیروی از سلطان که وقتی چنین کردند، از آنان درباره امور دینتان برحذر باشید...» (۱)

سلطان نیز کسی است که نه متکی بر آراء مردم، بلکه با قوه قهریه به مردم تسلط یافته و حکمرانی کند.

سپاس خدای را که پس از چهارده قرن، فرزندی از دودمان امامان معصوم علیهم السلام، فقیه مجاهد، امام روح الله خمینی R برای خدا قیام کرد و با یاری ملتی سلحشور، توانست پیام غدیر را به گوش جهانیان برساند و عملاً حکومت اسلامی را پس از همه پرسی پایه گذاری کند.

اینک بیش از سه دهه سال از پیروزی انقلاب می گذرد؛ ملت ایران به توفیق الهی و عنایات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و رهبری آیت الله خامنه ای مدظله العالی، مشکلات زیادی را پشت سر گذاشته است و بلندتر و توفنده تر از پیش، پیام غدیر را در آثار فرهنگی خود به گوش جهانیان می رساند و آنان هم با انقلاب علیه شاهان مستبد مال اندوز نوکرمآب خود، برای کشورهای خود، جمهوری اسلامی را می طلبند.

وَ مِنْ الله التوفیق

ص: ۶۹

۱- .الأصول الكافی، ج ۱، باب المستأكل بعلمه و المباهی به، ص ۴۶.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

